فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال دهم، شماره سی‌وهشتم، تابستان ۱۳۹۹
مقاله پژوهشی، صفحات ۹۱–۱۰۸

تأثیر دولت‌های صفوی و عثمانی بر تحولات مذهبی کردستان

بهزاد مفاخری[۱]
سید احمدرضا خضری[۲]
عثمان یوسفی[۳]

چکیده

تحولات مذهبی در کردستان عصر صفوی با دیگر نقاط ایران متفاوت بود. مسئله اصلی پژوهش این است که ظهور دولت صفوی و مناقشات این دولت با عثمانی چه تأثیری بر بافت مذهبی کردستان داشته است؟ این پژوهش به شیوه توصیفی ـ تحلیلی نشان داده است که رشد طریقت‌های صوفیانه درکردستان پیش از دوره صفوی موجب روند رو بـه رشد تشیع در این منطقه شده‌است، به طوری‌که کردستان با مذهبِ غالبِ شافعی، مانند سایر نواحی اطراف به تشیع گرایش پیدا کرد. اما برخورد قهری صفویه با طوایـف کـرد این روند تاریخی را متوقف کرد. کردها به سـبب سیاسـت مـذهبی صـفویان، از تشـیع فاصله گرفته و بر مذهب شافعی ثابت قدم شدند. به ویژه اینکه کردستان در آن ایـام از حمایت دولت عثمانی که به دنبال ایجاد حائل مذهبی با رقیب شیعی خود بود، برخوردار شد. تغییر سیاست جانشینان شاه اسماعیل در قبال طوایف کرد، در گرایش برخی قبایـل به ویژه در جنوب کردستان به تشـیع تاثیرگـذار بـود. ایـن تأثیرگـذاری، نقـش مخـرب اقدامات شاه اسماعیل را در دور کردن کردها از تشیع آشکار می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: تشیع، کردستان، صفویه، عثمانی، مذهب در عصر صفوی، مذهب شافعی.

۱. دکتری تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی تهران (نویسنده مسئول).behzadm1005@gmail.com
۲. استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران. akhezri@ut.ac.ir
۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه مذاهب اسلامی سنندج. maedeh856@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۰۲

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

درآمد

بافت مذهبی مناطق کردنشین که اکنون میان کشورهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه پراکنده هستند، دارای اکثریت نسبی سنی بوده و در کنار آن شیعیان نیز به ویژه در مناطق جنوبی کردستان به چشم می‌خورند. این مطلب به ویژه بعد از تغییرات عمده مذهبی در ایران بعد از ظهور دولت صفویه حائز اهمیت است.

اقدامات مذهبی شاه اسماعیل صفوی، کُردهای شافعی مذهب را که میانه‌ای با تعصبات مذهبی نداشتند، با چالش جدی مواجه کرد. در همان ایام دولت عثمانی که با سیاست‌های شیعی دولت صفویه مواجه شده‌بود به دنبال ایجاد یک حائل میان قلمرو خود با صفویان بود تا مانع گسترش اندیشه‌های شیعی در میان اتباع خود شود. در این نوشتار تحولات مذهبی مناطق کردنشین مقارن با ظهور دولت صفویه و رقابت‌های مذهبیش با دولت عثمانی بررسی می‌شود.

پیشینه پژوهش

در مورد وضع مذهبی کردستان در منابع، اطلاعات پراکنده‌ای وجود دارد. همچنین تحقیقات ارزنده‌ای در مورد آداب و رسوم و آیین‌های فرهنگی و مذهبی کردستان انجام شده‌است. با این همه درباره موضوع این مقاله کار مستقلی انجام نشده‌است. پژوهش‌های محمدعلی سلطانی،کردپژوه معروف (۱۳۷٦؛۱۳۸۰؛ ۱۳۸۵)، به‌رغم غنای زیاد، محدودیت مکانی دارد؛ سلطانی در کتاب *تاریخ تشیع در کرمانشاه*، فقط به اوضاع فرهنگی و مذهبی کرمانشاه پرداخته ولی به تأثیر رقابت‌های صفوی و عثمانی بر بافت مذهبی کردستان توجه نکرده است. مینورسکی (۱۳۷۹ش) و بروئین‌سن (۱۳۷۸ش) هم تحقیقاتی در فرهنگ و آیین‌های مذهبی کردستان دارند. بروئین سن در کتاب *کردها و اسلام*، به ورود اسلام به کردستان و رشد فرقه‌های صوفی و نقش سیاسی و مذهبی آنها و تقابل ناسیونالیسم مذهبی و قومی در کردستان پرداخته است. کیومرث عظیمی (۱۳۹۵ش) در کتاب *تاریخ تشیع در کردستان*، ضمن معرفی آیین‌های موجود در کردستان به تأثیر عوامل جغرافیایی و انسانی از جمله نقش امرا و سلاطین برگسترش تشیع در کردستان پرداخته است. فریدون نوری (۱۳۹۰ش) در مقاله «چگونگی گرایش والیان اردلان به تشیع از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

صفویه تا قاجاریه» فقط به امارت اردلان می‌پردازد. این تحقیقات هرکدام در مورد وضع فرهنگی وگرایش‌های مذهبی کردستان اطلاعاتی در خور توجه دارند اما درباره موضوع مورد پژوهش به طور مستقل نپرداخته‌اند. از این‌رو پژوهش حاضر با روش تاریخی و مبتنی‌بر منابع تاریخی و تحقیقات جدید، به شیوه توصیفی- تحلیلی، تأثیر دولت‌های صفوی و عثمانی بر تحولات مذهبی کردستان مورد بررسی قرار گرفته است.

وضع مذهبی کردستان قبل از ظهور صفویه

بعد از ورود اسلام به ایران، در پی تلاش علماء و فقهای شافعی (سبکی، ٤/ ٢٩، ٥/ ١٣٠ و صفحات متعدد) تحت حمایت امراء و حکام مناطق کردنشین، شافعی به مذهب رسمی این مناطق تبدیل شد؛ اما با ظهور حکومت مغولان و بعد از آن ترکمانان، مذهب شافعی در کردستان تحت تأثیر رشد و گسترش طریقت‌های صوفیانه قرار گرفت. پیروی مردم از این مذهب به ظواهر ساده نماز، وضو و اذان محدود شد. در همین ایام با رسوخ برخی آداب اسلام شیعی به آیین‌های علوی، یارسان (اهل حق) و ایزدی، تحولاتی رخ داد که موجب شد تا مردم کردستان آماده پذیرش تشیع شوند. این وضع تا ظهور دولت صفویه ادامه یافت. تا اینکه رویدادهای دوره صفویان در ارتباط با دولت عثمانی و رقابت مذهبی آنها، وضع مذهبی کردستان را دچار دگرگونی کرد.

ظهور صفویان و پیامدهای مذهبی آن

جمعیت زیادی از کردها در گذشته به عنوان مرید اجداد شاه اسماعیل با طریقت صفویه آشنا بودند. بسیاری از قبایل کرد در ابتدای امر به دولت صفویه پیوستند (خواندمیر، *ذیل حبیب‌السیر*، ٥٣٥؛ اسکندر، ٩٢)، اما بی‌تدبیری شاه اسماعیل در برخورد قهری با امرای کرد، سبب پیوستن کردها به جبهه مخالف شد.

زندانی کردن هیأت دوازده نفره امرای کرد در سال ٩١٠ ق/ ١٥٠٥م توسط شاه اسماعیل که با هدایایی گران‌بها به منظور پذیرفتن حکومت صفویه روانه تبریز شده بودند و تکرار این عمل در قبال هیأت یازده نفره دیگری از امرای مناطق مختلف کردستان (بدلیسی، ١٢٠/١)، کردها را از دولت نوپای صفوی ناامید و به دامان عثمانی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

انداخت. شاه اسماعیل به دنبال تثبیت حاکمیت خود بر مناطق کردستان با برچیدن امیرنشین‌های کرد و جایگزین کردن آنها به وسیله امرای قزلباش بود. سیاستی که نقطه مقابل خواست امرای کرد بود. در مقابل دولت عثمانی حاکمیت امرای کرد را به رسمیت شناخته و با ایجاد امیرنشین‌های کردی در مرزهای شرقی خود، امنیت مرزهایش را در برابر دولت صفویه تأمین کرده بود (مه‌خدوم، ۱۳۲).

تقابل دولت صفویه با کردهای اهل سنت، در رفتار شاه اسماعیل با امارت‌های کرد و همچنین در جنگ با «صارم‌بیگ مکری» (روملو، ۹۰٤/۱) و بعد در کشتار کردهای مکری (*عالم‌آرای شاه اسماعیل*، ۲۱۸) و «واقعه قلعه دمدم» هویدا بود. درکنار این تقابل نظامی، توهین مذهبی مورخین دربار صفوی به کردهای اهل سنت و ایزدی که به طعن آنها را به یزید بن معاویه، چهره منفور تاریخ اسلام، نسبت می‌دادند (*عالم‌آرای صفوی*، ۱۱۵–۱۳۰)، تردید کردها در پیوستن به جبهه مخالف یعنی عثمانی را به یقین تبدیل کرد. همین امر علاوه بر پیامدهای سیاسی، پیامد مذهبی نیز به دنبال داشت و آن عدم پذیرش تشیع و مذهب جعفری توسط کردها بود. در حالی‌که قبل از این، گرایش‌های شیعی با رنگ و لعاب تصوف در مناطق کردنشین رشد کرده بود. جالب اینکه صفویان قبل از تحول به تشیع امامی، تشیع صوفیانه را تبلیغ می‌کردند یعنی همان مذهبی که برای کردها آشنا بود و در صورت اتخاذ سیاست درست از طرف شاه اسماعیل، انتقال کردها به این مذهب بسیار محتمل می‌نمود (عظیمی، ۱۲۰). اما اتخاذ سیاست‌های نادرست شاه اسماعیل، کردها را از گرایش به تشیع دور کرده و با الحاق حدود سه چهارم از مناطق کردنشین به قلمرو ترکان سنی مذهب عثمانی، زمینه تقویت مذهب اهل سنت فراهم شد. چرا که دولت عثمانی مایل به ایجاد یک حائل میان قلمرو خود با صفویان شیعه مذهب بود. عثمانی‌ها با تقویت امارت‌های کرد سنی مذهب به این هدف نائل آمدند و امرای کرد نیز با تأسیس مدارس و حمایت از علمای سنی، به بسط مذهب شافعی پرداختند.

تغییر نگرش پادشاهان بعدی صفوی در قبال کردهای تحت حاکمیت خود، زمینه گسترش تشیع را در میان برخی طوایف کرد به صورت محدود فراهم کرد (همانجا). این کار از یک طرف با انتصاب برخی امرای کرد به مناصب دولتی و یا حمایت از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

برخی طوایف کرد و از طرف دیگر با تبعید برخی طوایف و ایلات کرد به مناطق شیعه‌نشین مانند خراسان صورت گرفت.

کوچ قبایل کرد به مناطق شیعه‌نشین

در اوایل قرن یازدهم هجری کوچ برخی قبایل کرد از مناطق محل سکونت خویش به مناطق دیگر، زمینه تغییر مذهب آنها را فراهم کرد. این مسئله در قلمرو صفویه و عثمانی اتفاق افتاد. از طوایف مشهور کرد که با مهاجرت به قلمرو صفویه، به مذهب شیعه گروید، طایفه «چَمِشگزَک» بود که در اطراف دریاچه وان، درسیم و ملطیه در آناتولی ساکن بود (بدلیسی، ۱۳۹/۱). مردم این طایفه به گویش «کردی کرمانجی» تکلم می‌کردند، آنها از لحاظ مذهبی شافعی مذهب بودند اما به علت مجاورت با افکار صوفیانه و غالیانه شیعیان این ناحیه، به راحتی به دولت صفویه گرایش پیدا کردند. آنها در مناطقی از آذربایجان و حوالی زنجان و همدان ساکن شدند، چرا که دولت عثمانی به دلیل این رویکردشان، امارت آنها را در ناحیه درسیم آناتولی، نابود کرده بود (همانجا؛ باخه‌وان، ۸۵). بعد از ورود این طایفه به قلمرو صفویه، شاه اسماعیل گروهی از آنها موسوم به کردهای قرامانلو را به خراسان کوچاند و در اسفراین اسکان داد. اینها اولین دسته از کردهایی بودند که به خراسان کوچ داده شدند (توحدی، ۲۵/۱). آن دسته از این طایفه که در نواحی ترک‌نشین آذربایجان و حوالی زنجان ماندگار شدند، جدای از اینکه به تشیع گرویدند، با فراموش کردن زبان کرمانجی، کم‌کم از فرهنگ کردی خود فاصله گرفته و در ارتباط با سپاهیان شاهسون قزلباش، خو و زبان ترکی گرفتند و امروز به کردهای شقاقی معروفند (مینورسکی، ۲۰۸؛ مصطفی امین، ۳۹). گروه‌هایی از این طایفه نیز که در نواحی غربی آذربایجان و در کنار سایر هم‌زبانان سنی مذهب خود در مرزهای عثمانی سکنی گزیدند، همچنان بر زبان کردی و مذهب تسنن خود مانده و با عنوان «کردهای شکاک» شناخته می‌شوند. بعد از آن شاه طهماسب در دو مرحله قبایل «سیاه منصوری» و «چگینی» را هم به خراسان انتقال داد تا از شر مشکلاتی که در مناطق غربی قلمرو و هم مرز باعثمانی ایجاد کرده بودند، راحت شود و هم در فتح قلعه هرات و سرکوب شورش از آنها بهره گیرد (روملو، ۵۳۱/۲). این گروه در قوچان مستقر شدند (روشنی، ۱۸۰). اما بزرگترین موج کوچ دادن کردها به خراسان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

توسط شاه عباس رخ داد که طی آن چهار ایل بزرگ زعفرانلو، سعدانلو، کیوانلو و دوانلـو بـا جمعیتی حدود دویست و پنجاه هزار نفر در شهرهای قوچـان، مشـهد، بجنـورد و اسـفراین اسکان داده شدند (توحدی، ۲۹/۱؛ مصطفی امین، ۳۹). شاه عباس با این انتقال تـاریخی هـم ناآرامی‌های مرزهای غربی را مرتفع کرد و هم از نیروی جنگی این طوایف کـرد در مواجهـه با ازبکان منتفع شد. این طوایف در سال ۱۰۰۶ق/۱۵۹۷م حمله ازبکان به شهرهای سـمنان و بسطام را دفع کردند (ترکمان، ۵۳۶/۲).

طوایف کرد خراسان، به دلیل همجواری با جوامع شیعی خراسان بـه ویـژه شـهر مشـهد، تحت تأثیر عقاید و افکار شیعیان قرار گرفته و به تدریج آماده پذیرش مـذهب تشـیع شـدند. این امر چندان فراگیر بود که هم اکنون جمعیت حـدود ۲ میلیـون نفـری آنهـا پیـرو مـذهب تشیع هستند (عظیمی، ۱۳۶). به این ترتیب سیاست‌های دولت صفویه در قبال طوایف کـرد، علاوه بر تغییرات عمده جمعیتی با کوچ دادن قبایل کرد به مناطق دوردست شرقی، تغییـرات عمده مذهبی و فرهنگی را نیز برای این دسته از طوایف رقم زد و آنها را کم‌کم تحـت تـأثیر فضای جدید قرار داد و آنها را از هویت کردی و مذهب اهل سنت دور ساخت.

ایل زنگنه از دیگر طوایف کرد بود که با کوچیدن از مـوطن اصـلی خـود در نـواحی کرکوک و دامنه کوه قره‌داغ در عراق، به مناطق تحت سیطره صفوی، به تشیع گرویدنـد و اعتماد دولت صفوی را به خود جلب کردند. هرچند برخی محققین معتقدند کـه ایـل زنگنه به دلیل مجاورت با برخی قبایل شیعه و قرار گرفتن موطن آنها (مابین سلیمانیه و بغداد) بر سر راه کاروان‌های زیارتی شیعیان به کـربلا و نجـف، قبـل از ورود بـه ایـران تغییر مذهب داده بودند (تاله‌بانی، ۱۲۱). با توجه به اینکه باقیمانـده کردهـای زنگنـه در عراق همچنان بر مذهب شافعی هستند، این احتمال بسیار ضـعیف مـی‌نمایـد امـا ایـن واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که گسترش عقاید و افکار صوفیانه و تشیع صـفوی و طریقتی در مناطق کردنشین که از یکی دو قرن قبـل از صـفویه آغـاز شـده بـود، تغییـر مذهب آنها به تشیع را راحت‌تر کرده بود، به ویژه تغییر مذهب از شافعی که بـه نسـبت سایر فرق اهل سنت قرابت بیشتری به تشیع دارد.

ایل زنگنه به ویژه رؤسای این ایل از تغییر مذهب بـرای رسـیدن بـه مناصـب سیاسـی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

استفاده کردند. آنها خود را از موالی بنی‌اسد معرفی کرده و مدعی بودند که اجساد شهدای کربلا را دفن کرده‌اند (سلطانی، *تاریخ تشیع در کردستان*، ۳۰/٦). ادعایی که البته شواهد تاریخی در اثبات آن وجود ندارد. این ادعا در کسب مناصب سیاسی که برخی رؤسای این ایل در دولت صفوی کسب کردند، بی‌تأثیر نبود. از جمله منصب حکومت کرمانشاه و توابع آن از هرسین و سنقر که در زمان شاه صفی به شاهرخ‌بیگ زنگنه رسید و برادرش شیخ‌علی‌خان زنگنه (مستوفی، ۲۱۵) بعد از میرآخوری شاه صفی، با پیمودن پله‌های ترقی در زمان شاه سلیمان مقام صدارت اعظمی را به دست آورد (خواجگی اصفهانی، ۲۸۵). ایل زنگنه به این حد از وابستگی به دولت صفوی بسنده نکرده و سبب مهاجرت طوایف دیگری از کردهای قلمرو عثمانی به ایران شدند. خاندان جلیلی که از مشایخ طریقتی کردستان در ناحیه کرکوک بودند و سادات قمشه بنا به دعوت رؤسای ایل زنگنه به ایران مهاجرت کرده و در همسایگی زنگنه‌ها در کرمانشاه سکنی گزیدند. آنها بعد از تغییر مذهب از شافعی به تشیع، با ساخت مساجد، تربیت شاگردان که برخی از آنها به علمای طراز اول کرمانشاه تبدیل شدند و همچنین با تبلیغ مذهب تشیع، منشأ خدمات بزرگی به مذهب جدید شدند (سلطانی، *تاریخ تشیع درکردستان*، ۱۲۹/٦).

تغییر سیاست شاهان صفوی در قبال طوایف کرد

تغییر سیاست شاهان صفوی در قبال طوایف کرد بعد از شاه اسماعیل و سیاست‌های متعصبانه او آغاز و در دوره شاه عباس اول به اوج خود رسید. شاه عباس که پادشاهی سیاس و بسیار زیرک بود، هر جا که لازم می‌دید با در پیش گرفتن سیاست نرم، اعتماد طرف مقابل را به خود جلب می‌کرد، هرچند از خشونت نیز در مواقع لزوم رویگردان نبود. در واقع با مجموعه این سیاست‌های سخت‌گیرانه و تساهل‌گونه توانست همه طوایف مخالف دولتش را مرعوب قدرت خویش سازد. پذیرش رؤسای کرد و انتصاب برخی از آنان به حکمرانی و دادن مقام‌های کشوری و لشکری از جمله سیاست‌های شاه عباس و جانشینان او در قبال طوایف کُرد بود که در رشد مذهب تشیع در میان این طوایف تا حدودی تأثیرگذار بود. انتصاب قبادخان، فرزند شیخ حیدر مکری به ریاست ایل مکری و حکومت مراغه، موجب شد تا عشایر مکری نقش مهمی در میان سپاه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

صفوی داشته باشند به طوری‌که شاه عباس به نیروی جنگی این ایل بسیار دلگرم بـود. بـا وجود این سیاست شاه عباس، مذهب تشیع در میان ایل مکـری چنـدان بـا اقبـال مواجـه نشد. این عدم اقبال به تشیع شاید ناشی از روی دیگر سکه سیاست شاه عبـاس یعنـی بـه کارگیری خشونت باشد که هر وقت از جانب آنان احساس خطر می‌کرد، از قتل عام آنـان فروگذار نمی‌کرد (ترکمان، ۹۰٤/۲). علاوه بر مناصب کشوری که بعضاً بـه برخـی امـرای کرد داد شد، کردان بخش مهمی از ارتش دائمی شاه عباس را تشکیل می‌دادند. بسـیاری از صاحبان مناصب نظامی و فرماندهان لایق و شایسته مانند علی‌جان سلطان شـقاقی، کـدائی سلطان کولانی، قلندر سلطان کلـه‌گیـر و مـام‌قلـی سـلطان چگینـی (روحـانی، ۱۲۱/۳) از فرماندهان باکفایت کُرد در دوره شاه عباس بودند که قطعاً در نگرش کردان و گرایش آنهـا به دولت شیعه مذهب صفوی تأثیرگذار بوده‌است. از دیگر سیاسـت‌هـای شـاه عبـاس در قبال ایلات و قبایل کرد برقراری پیوند خانوادگی بود تا بدین‌وسیله وفاداری آنها را نسبت به خود تضمین کند. تزویج خواهرش، زرین‌کلاه به خان‌احمـدخان پسـر هلوخـان اردلان نمونه‌ای از این قبیل رفتارهای سیاسی بود.

فعالیت‌های خان‌احمدخان، نشان وفاداری او به دربار صفوی بـود. او نخسـتین امیـر اردلانی است که رسماً تابعیت دولت صفوی را پذیرفت و بیشـتر لشکرکشـی‌هـای او از جمله سرکوبی ایل بلباس، تهاجم به عمادیه، آکو، سوران، رواندز، کوی،حریر، کرکـوک و موصل در راستای منافع صفوی و شاه عبـاس صـورت گرفـت. او در فـتح بغـداد بـه دست شاه عباس نیز فعالانه مشارکت داشت (ترکمان، ۹۱۵/۲). ایـن پیونـد خـانوادگی، آشنایی و گرایش والی‌نشین اردلان به تشیع را در پی داشت (اردلان، ۳۳). هرچنـد ایـن گرایش صوری بود و خان احمدخان، فقط برای راضی نگه‌داشتن دربار صفوی به تشیع خود وانمود کرد و هدف او به دست آوردن اعتماد شاه صفوی بـود تـا امـارت ادلان را تا حد والی‌نشین ارتقاء دهد (آئینه‌پور، ۵۷).

فرقه‌های غالی شیعی درکردستان

تسامح مذهبی مردم کرد در قبال پیروان سایر مذاهب، سبب رشد فرقـه‌هـای مـذهبی مختلفی در کنار مذهب شافعی درکردستان شد. تعدادی از این فرقه‌هـا، در چهـارچوب

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

تشیع با دولت صفوی مرتبط بودند، به عبارت دیگر اگر صفویان را در ایجاد این فرقه‌ها دخیل ندانیم، آموزه‌های آنها در گسترش این فرقه‌ها نقش عمده‌ای داشته است. از مهمترین این فرقه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱ـ شبک

اجداد شاه اسماعیل صفوی قبل از سکونت در آذربایجان، در ناحیه سنجار (شنگال) کردستان دعوت طریقت خویش را شروع کرده بودند (ابن بزاز، ۱۳). خواجه‌علی سیاه‌پوش، در سفرهای خود به کردستان پیروانی پیدا کرد که به «شبک» معروف شدند. آنها مرشد خود، خواجه‌علی را علی‌رش (سیاه پوش) خطاب می‌کردند. بازماندگان این فرقه اکنون در تعدادی از روستاهای استان نینوای عراق زندگی می‌کنند و نام یکی از این روستاها به نام خواجه به «علی‌رش» نامبردار است (گوران،۹۰). تعدادی از آنها نیز در شهر موصل ساکن‌اند. آنها از غلاة شیعه محسوب می‌شوند و با اهل حق مشترکاتی دارند. این امر می‌تواند ریشه در باورهای باستانی کردها در میان دو گروه داشته باشد. زیارت قبور و غلوّ در مورد حضرت علی علیه‌السلام از بارزترین مشخصه آنها به شمار می‌رود. این مذهب مخلوطی از برخی عقاید غلاة شیعه، برخی باورهای کهن باستانی و عقاید طریقت‌های مرید و مرشدی است که در قسم اخیر مایه‌های تشیع صفویان قبل از پذیرش تشیع امامی را در خود دارد. چرا که کتاب مقدس آنها با نام «مناقب» حاوی مناظر شیخ صفی‌الدین و شیخ صدرالدین صفوی درآداب و سیرو سلوک است (سلطانی، *نقش کردها در..*، ۱۷٦). آنها معتقدندکه حُبّ حضرت علی علیه‌السلام، کفاره گناهان بوده و در شبی که «غفران» نام دارد، با اجتماع زنان و مردان به امید بخشش، به گریه و زاری می‌پردازند، این مراسم شبیه مراسم «لیله الکفشه» در نزد کردهای صارلی است. سفر زیارتی آنها در اعیاد فطر و قربان به دو زیارتگاه به نام‌های «علی‌رش» و «عباس» است. آنها هفته‌ای یک بار با آداب خاصی نماز می‌خوانند و به جای روزه ماه رمضان، نه روز اول محرم را روزه می‌گیرند و بعد از روز دهم به مدت یک ماه از خوردن گوشت امساک دارند (Mela, 1966, 105).

نمادهای مختلفی که در این فرقه وجود دارد، این مذهب را بیش از هر چیزی وامدار تشیع صفوی نموده است. از محتوای کتاب مقدس‌شان، *مناقب*، که سؤال و جواب‌های

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

شیخ صفی الدین و فرزندش صدرالدین به عنوان مرید و مرشد گرفته تا غلوّ درباره حضرت علی علیه‌السلام و احترام خاصی که برای خواجه علی سیاهپوش (علی‌رش) فرزند شیخ صدرالدین قائلند تا ذکر شاه اسماعیل صفوی در یکی از سروده‌های ایشان، همه حکایت از تأثیر مستقیم تبلیغات شیوخ صفوی در مناطق کردستان قبل از تشکیل دولت صفوی دارد. این گروه بعد از تشکیل دولت صفوی هم از حمایت این دولت برخوردار شدند.

۲ـ صارلی

صارلی‌ها از دیگر فرقه‌های غلاة شیعه با بن‌مایه‌های ادیان قدیم ایران در میان برخی طوایف کرد هستند که در نواحی موصل و در دهکده‌های زَنگول، وَردَک، گِزکان و کَبَرلی ساکن‌اند. سادات و طبقه‌ای به نام «کاکی» متولی امور مذهبی آنها هستند. از مراسم مذهبی آنها، جمع شدن در شب «لیله‌الکفشه» برای ذکر و بعد از آن قربانی خروس در این شب است (انصاف‌پور، ۱۰۳). ذکر تعدادی از اجداد شاهان صفوی در سروده‌های مذهبی فرقه صارلی که با احترام از آنان یاد شده و ازآنها به عنوان بزرگان آیین خود یاد می‌کنند (Bois, 99)، نشان از پیوند این فرقه با تشیع و دولت صفوی دارد.

۳ـ کردهای علوی

علوی شاخه‌ای از مذهب تشیع است که بیشتر پیروان آن در ترکیه و کمی در سوریه زندگی می‌کنند. آنها در میان ترکان آناتولی، مردم آذری، کردها و ترکمن‌ها پیروانی دارند.کردهای علوی که بخشی از جامعه علویان ترکیه را تشکیل می‌دهند، بیشتر به زبان زازایی و کمی هم به کرمانجی تکلم می‌کنند (بروئین سن، ٤١). کانون اصلی آنها ناحیه درسیم است. در آیین کردهای علوی رگه‌هایی از اعتقادات باستانی همچون زرتشتی، مانوی و زروانی وجود دارد که آن را با اعتقادات اسلام شیعی درهم آمیخته‌اند. تفاوت آنها با سایر علویان بیشتر زبانی است و همین امر باعث از هم‌گسیختگی جامعه علویان شده‌است. این فرقه مشترکات فراوانی با فرقه بکتاشی آناتولی دارد (مینورسکی، ۱۱۲). آنها ستایشگر حاجی بکتاش ولی بوده و به جای برگزاری حج، به زیارت قبر حاجی بکتاش می‌روند. به همن دلیل عثمانی‌ها، آنها را در شمار قزلباشان به شمار می‌آوردند که

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

البته شاید چندان هم بی‌ربط نباشد؛ چرا که علویان در اختلافات میان صفویه و عثمانی، از دولت صفویه حمایت کرده و علاوه بر کمک‌های مالی در صورت امکان از کمک نظامی هم دریغ نمی‌کردند. آنها به جای احکام متداول نزد مسلمانان مانند نماز، روزه و حج مراسم خاصی را در مکانی به نام «جمخانه» که با موسیقی همراه است، به جای می‌آورند. آنچه آنها را در ردیف غلات شیعه قرار می‌دهد اعتقاد به الوهیت حضرت علی علیه‌السلام و شاه اسماعیل صفوی است (Bois Tomos, 99). آنها خود را پیرو حضرت علی علیه‌السلام دانسته اما ملزم به پیروی از شریعت نمی‌دانند یلکه بر یک دسته اصول باطنی پایبندند که همین امر تأثیرپذیری آنها از شیعیان زیدی و اسماعیلی را بیشتر از تشیع امامی نشان می‌دهد. آنچه که تأثیر تبلیغات صفوی بر این فرقه را نشان می‌دهد، اندیشه سیاسی آنهاست که عقاید سیاسی شاه اسماعیل را منعکس می‌کند.

سیاست دولت عثمانی در قبال کردها

بعد از ظهور شاه اسماعیل و چرخش امرا و طوایف کرد به دولت سنی مذهب عثمانی، سلاطین عثمانی هم از این چرخش امیران کرد استقبال کرده و با اتخاذ سیاستی درست و زیرکانه توان طوایف کرد را به خدمت گرفتند. آنها برای اینکه اعتماد قبایل کرد را به خود جلب کنند، از حربه مذهبی استفاده کرده و آنها را اولین یاری‌کنندگان مذهب تسنن خطاب کردند که در مقابل تشیع صفوی در صف‌مقدم نبرد قرار دارند و درکنار این، خود را به عنوان وارثین خلفای اسلام، مدافع مسلمانان اهل سنت و کردها قلمداد کرده (اسکندر، ۱۲۰) تا بدین‌وسیله بیعت سیاسی امرای کرد را صبغه دینی ـ مذهبی بدهند. دولت عثمانی با استفاده از نفوذ یکی از علمای کردِ امیرنشین بدلیس، به نام مولانا ادریس بدلیسی، توانست نظر موافق امیرنشین‌های بدلیس، حصن‌کیفاء، جزیره ابن‌عمر، حکاری، اربیل، کرکوک و دیاربکر را به دست آورده و به دنبال آن حدود بیست نفر از امرای کردستان مراتب اطاعت خود را از سلطان اعلام داشتند، به این ترتیب سلطان عثمانی توانست با انعقاد یک معاهده دوجانبه، این امرنشین‌ها را به قلمرو خود ملحق سازد (عبدالوحید، ۱۰۲).

۱۷ امارت بزرگ کردستان ضمن پذیرش تبعیت ظاهری و اسمی دولت عثمانی، تحت حاکمیت مستقل امرای کرد اداره می‌شدند. هدف دولت عثمانی از این سیاست، جلوگیری

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

از تسلط صفویان بر مناطق کرد نشین بود تا مررزهای شرقی خود را از دسترس صفویان مصون دارد. تعصبات ترکی ـ شیعی دولت صفوی، کردهای ایزدی را هم از ایران دور کرد و به دامان دولت عثمانی انداخت، آنها با همکاری دولت عثمانی، سپاهیان قزلباش صفوی را از مناطق خویش دور کردند و بعد از نبرد چالدران، توانستند امارت داسنی[1] را به مرکزیت شیخان[2] در شمال شرق موصل تشکیل دهند (یوسفی، ٨٦).

بعد از پیروزی عثمانی‌ها در نبرد چالدران، بخش‌های وسیعی از مناطق کردنشین که حدود سه‌چهارم کردستان (نواحی کردنشین آناتولی، عراق، سوریه و ارمنستان) را شامل می‌شد، ضمیمه قلمرو عثمانی شد. سیاست دولت عثمانی در حفظ امارت‌های کرد و انتصاب خاندان‌های متنفذ کردستان (اسکندر، ١١٠)، هم خواسته عثمانی‌ها مبنی بر ایجاد یک دیوار حائل میان قلمرو خود و دولت صفویه را تأمین کرد و هم رضایتمندی امرای کرد مبنی بر حفظ قدرت موروثی را در پی‌داشت. تنها عامل همگرایی میان آنها، اشتراک در مذهب تسنن بود که برای عثمانی حائز اهمیت فراوان بود تا بدین‌وسیله مانع نفوذ تشیع صفوی در قلمرو خود شود. تسلط عثمانی سنی مذهب بر مناطق کردنشین روند روبه رشد تشیع در مناطق کردنشین عثمانی را متوقف و کردها را بر مذهب شافعی استوارتر کرد. سلاطین عثمانی از مذهب اهل سنت حمایت کرده و به تبع آن امرای کرد نیز همین سیاست را در پیش گرفتند. آنها به دلیل اینکه حکومت موروثی خود را، که قبلاً توسط صفویان در خطر افتاده بود، مدیون دولت عثمانی می‌دانستند، با پشتیبانی از مذهب تسنن، به عنوان حافظ مرزهای مذهبی دولت عثمانی اقدام کردند (همانجا).

تأسیس مدارس، حمایت از علمای شافعی و استخدام آنها در سیستم حکومتی، تنها بخشی از حمایت امرای کُرد برای بسط مذهب شافعی در امارت‌های کردنشین بود.

«حاکم و میره‌کانی کوردستان هەر لە بوتانەوا هاتە بابان

یەک بە یەک حافیزی شەریعەت بون سەی یدی قە وم و شیخی میللەت بون» (کویی، ١٨٠)

1. Dasni
2. Shekhan

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

امرا و حکام کردستان/ از بوتان تا بابان/ همه نگهبان شریعت بودند/ بـزرگ و سـرور ملت کرد بودند.

با وجود دشمن مشترکی به نام دولت صفوی شیعی، اختلاف مـذهبی میـان کردهـای شافعی وحنفی‌های عثمانی به چشم نمی‌آمد و طرفین با وجود اتحاد سیاسـی، بـر مـدار مذهبی خویش بودند و دولتمردان عثمانی سعی نکردند که مذهب حنفـی را جـایگزین مذهب شافعی کردها کنند. به همین سـبب مدارسـی کـه در نـواحی کردسـتان عثمـانی تأسیس می‌شد، خارج از نظام آموزش مذهبی عثمانی و با هدف آمـوزش فقـه و مبـانی مذهبی شافعی بود. مدارس شافعی شهرهای آمـد، بتلـیس (بدلیسـی، ۳٤۳) و جزیـره از بزرگ‌ترین مدارس تعلیمی قلمرو عثمانی به حساب می‌آمدند و علمـای بزرگـی از ایـن مدارس فارغ‌التحصیل شدند (اسکندر، ۱۸۰). بدلیسی از وجـود مـدارس بزرگـی چـون «شمسیه»، «خطیبیه»، «حاجی‌بیگیه»، «ادریسیه» و «اخلاطیه» در دو دهه اول قرن شانزدهم میلادی در شهر بتلیس یاد می‌کند که توسط علماء و دانشمندان اداره شده و محصلین و طلاب زیادی درآنها در زمینه‌های مختلف معارف اسلامی (شافعی)، منطق، جبـر، نجـوم و تاریخ مشغول به تحصیل بوده‌اند (بدلیسی، ۳۵۰).

در سایر امیرنشین‌های کرد نیز وضع بر همین منوال بود و بـا فعالیـت مـدارس مختلـف، علماء و طلاب زیادی مشغول به تحصیل بودنـد. مولانـا محمـد برکلـی، ابوالفضـل افنـدی، عبدالرحیم بدلیسی و پیرشیخ نجـم‌الـدین از علمـای مشـهورکرد در قلمـرو عثمـانی بودنـد (اسکندر، ۱۸۱). برخلاف دیگر قلمروهـای امپراطـوری عثمـانی، فتـوای مفتیـان و قضـاوت قاضیان مناطق کردنشین در چهارچوب مـذهب شـافعی بـود. آنهـا در دسـتگاه‌هـای دولـت عثمانی هم به مدارج بالایی می‌رسیدند چـرا کـه دولـت عثمـانی در قبـال کردهـای شـافعی تعصب به خرج نمی‌داد و این روند تا پایان دولت عثمانی ادامه داشت، به طوری‌کـه سـلطان عبدالحمیـد دوم (۱۲۹۳– ۱۳۲۷ق/۱۸۷٦–۱۹۰۹م)، سـعید پاشـای کُـرد را بـه صـدراعظمی دستگاه حکومتی خویش برگزید (احمد، ۱۱۰). با حمایت امـرا و حکـام محلـی کُـرد، نشـر عقاید اهل سنت، در مناطق کردنشین عثمانی چنان گسترده بود که کردستان عثمانی یکـی از قطب‌های تعلیم و تدریس فقه و مبانی اهل سنت در عالم اسلامی شد و بسـیاری از علمـای

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

طراز اول و مفتی‌های رسمی دولت عثمانی از میان کُردها برخاستند و طلاب و فقهای کُرد در بسیاری از مدارس معتبر اسلامی از بغداد و استانبول گرفته تا جامعه‌الازهر مصر به تحصیل و تعلیم اشتغال داشتند (میربه‌سری، ۱۰۲). اوضاع مذهبی مناطق کردنشین عثمانی از دو جنبه بر اوضاع کردهای اهل سنت قلمرو دولت شیعی صفوی هم تأثیرگذار بود:

۱- به سبب نزدیکی مناطق کردنشین، رفت و آمد کردهای قلمرو صفویه به کردستان عثمانی، هم زمینه تحصیل کردهای ایران را در مدارس عثمانی فراهم می‌کرد به طوری‌که اکثر علمای مناطق کردنشین ایران، در مدارس عثمانی تحصیل کرده بودند و هم بر رونق فضای علمی کردستان ایران می‌افزود چرا که محصلین بازگشته از مدارس عثمانی، خود به تأسیس مدارس و یا حلقه‌های درس در مساجد اقدام کرده و با تربیت شاگردان بسیار جریان تعلیم و تربیت را رهبری می‌کردند (همانجا).

۲- حمایت امرای کُردستان ایران یعنی قلمرو اردلان و مکریان از علماء و سیر تعلیم و تربیت از طریق تأسیس مدارس و مساجد و اختصاص موقوفات فراوان به آنها، با تقلید از امرای کُرد قلمرو عثمانی اتفاق می‌افتاد. همین امر بر رونق فضای علمی این مناطق می‌افزود. بسیاری از امرای اردلان خود «در علم و فضل مایه افتخار بودند» (قاضی، ۲۱) و «با اهل علم و فضل میل کامل داشتند» (مستوره، ٦٩). از نتایج این اقدامات، تثبیت مذهب اهل سنت در برابر فشار مذهبی دولت صفوی بود. در کنار این مسائل، طمع دولت عثمانی به مناطق کردنشین قلمرو صفوی (اولسن، ۲۸)، اشتراک مذهبی کردهای این مناطق را بهترین راه نفوذ در این مناطق تشخیص داد. اولین قدم آنها حمایت از علمای این مناطق همچون تبعه عثمانی بود. این حمایت در دوره‌های بعد از سقوط صفویه، تا حد حمایت کنسولی از علمای اهل سنت کردستان اردلان در صورت توهین به آنها هم پیش رفت (مردوخ کردستانی، ۲۲۷/۲). همین امر به نوبه خود، هم در نگرش امرای اردلان نسبت به علمای قلمرو خود تأثیرگذار بود و هم دولت صفوی را از تعرض مذهبی به مناطق اهل سنت کردستان بازداشته و مذهب شافعی را در قلمرو خود به رسمیت شناخت.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

نتیجه

قبل از ظهور صفویه و آغاز رقابت آنها با عثمانی، در مناطق کردنشین مذهبِ غالبِ شافعی تحت تأثیر رشد و گسترش طریقت‌های صوفیانه قرار داشت. در همین فضا با رسوخ برخی آداب اسلام شیعی به آیین‌های علوی، یارسان (اهل حق) و ایزدی تحول مذهبی به گونه‌ای رقم خورده بود که مردم کردستان در این مناطق آماده پذیرش تشیع فقاهتی شده بودند. ظهورشاه اسماعیل صفوی، مردمان کُرد شافعی مذهب را، که میانه‌ای با تعصبات مذهبی نداشتند با چالش جدی مواجه کرد. آنها دست رد به سینه دولت صفوی زده و با دشمن و رقیب این دولت یعنی عثمانی طرح دوستی درانداختند. در این میان پیروزی عثمانی‌ها بر دولت نوبنیاد صفوی، باعث شد که سه چهارم از مناطق کردنشین در قلمرو دولت عثمانی قرار گیرد. سیاست دولت عثمانی بر آزادی مذهبی کُردها در تمسک به مذهب شافعی و ایجاد یک حائل میان قلمرو خود با دولت رقیب یعنی صفویه بود تا مانع گسترش اندیشه‌های شیعی صفوی در میان اتباع خود شود. عثمانی‌ها با باز گذاشتن دست امرای محلی کُردِ قلمرو خود در حمایت از علماء و ساخت مدارس و مهیا کردن شرایط پیشرفت علمای کرد در سیستم حکومتی و محاکم قضایی تا بالاترین رده یعنی منصب فتوا، زمینه گسترش هرچه بیشتر مذهب شافعی را در مناطق کردنشین فراهم کردند. بعد از شاه اسماعیل با تغییر سیاست‌های دولتمردان صفوی در قبال طوایف کرد، زمینه نفوذ تشیع در میان کردها به صورت محدود فراهم شد. از جمله این سیاست‌ها، کوچ دادن برخی قبایل کرد به مناطق دوردست مانند خراسان بود که به تغییر مذهب این دسته از قبایل انجامید. با حمایت صفویان از برخی طوایف کرد در ورود آنها به دستگاه حکومتی سبب شد تا برخی از آنها به مناصب بالای لشکری و کشوری نیز دست یابند. ایل زنگنه از جمله طوایف مشهور کردستان بود که درگسترش تشیع در مناطق جنوبی کردستان یعنی کرمانشاه و نواحی اطراف آن نقش به سزایی داشت. اما با این وجود سایر طوایف کُرد قلمرو صفوی همچنان بر مذهب شافعی ثابت قدم مانده و به خواسته دولتمردان صفوی تن ندادند و در این مسیر از حمایت‌های گوناگون دولت عثمانی برخوردار بودند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

منابع

ـ ابن بزاز، درویش توکل بن اسماعیل، صفوه الصفا، نسخه خطی لیدن از روی نسخه عکسی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، بی‌تا.

ـ احمد، محمداحمد، اکراد الدوله العثمانیه، تاریخهم الاجتماعی و الاقتصادی و السیاسی، دهوک، مکتبه البدرخانین، ۲۰۰۹.

ـ اردلان، شیرین، خاندان کرد اردلان در تلاقی امپراطوری‌های ایران و عثمانی، ترجمه مرتضی اردلان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۷ش.

ـ اسکندر، محمدشمس، تاریخ کرد در قرن ۱۶ میلادی، ترجمه محسن جلدیانی، تهران، انتشارات عابد، ۱۳۸۰ش.

ـ انصاف‌پور، غلامرضا، تاریخ سیاسی و جغرافیایی مردم کرد، تهران، نشر ارمغان، ۱۳۷۹ش.

ـ اولسن، رابرت، قیام شیخ سعیدپیران، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نشر نگاه، ۱۳۷۷ش.

ـ آئینه‌پور، ستار، «تاریخ و نقش سیاسی ـ فرهنگی خاندان اردلان»، رساله دکتری، استاد راهنما: احمدرضا خضری، استاد مشاور: اصغر قائدان، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۹۰ش.

ـ باخه‌وان، هاوری، هاوری‌نامه بو میژویی کورد و کوردستان، سلیمانی، چاپی یه‌کەم، ده‌زگای چاپ و په‌خشی سه‌ردەم، ۲۰۰۳ز.

ـ بدلیسی، شرف‌خان، شرفنامه (تاریخ مفصل کردستان)، به اهتمام محمدعباسی، تهران، نشر حدیث، ۱۳۷۳ش.

ـ بروئین سن، مارتین، جامعه‌شناسی مردم کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نشر پانیذ، ۱۳۷۸ش.

ـ تاله‌بانی، موکەره م، شیخ ره‌زا تاله‌بانی: ژیانی، په‌روه‌رده‌ی، بیروباوه‌ری و شیعری، هه‌ولیر، چاپی یه کم، چاپخانه‌ی وه‌زاره‌تی په‌روه‌رده، بی‌تا.

ـ ترکمان، اسکندربیگ، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۸ش.

ـ توحدی، کلیم‌الله، حرکت تاریخی کرد به خراسان، مشهد، چاپ سروش، ۱۳۷۱ش.

ـ خواجگی اصفهانی، محمدمعصوم، خلاصه‌السیر (تاریخ روزگار شاه صفی)، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۸ش.

ـ خواندمیر، امیرمحمود، ذیل تاریخ حبیب السیر، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۰ش.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

ـ روحانی، بابامردوخ، مشاهیر کرد، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۵ش.
ـ روشنی، قدرت الله، طوایف کرد خراسان، اشراقی نامه مجموعه مقالات تاریخی اجتماعی، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، حدیث امروز، ۱۳۸۱ش.
ـ روملو، حسن‌بیک، احسن‌التواریخ، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، بنگاه نشر کتاب، ۱۳۴۹ش.
ـ سبکی، ابوالنصر عبدالوهاب، الطبقات الشافعیه الکبری، تحقیق محمود الطناحی، بیروت، داراحیاء الکتب العربیه، بی‌تا.
ـ سلطانی، محمدعلی، تاریخ تشیع در کردستان، تهران، نشر فرهنگی سها، ۱۳۸۰ش.
ـ ــــــــــــــــ، نقش کردها در پاسداری از فرهنگ و تمدن ایرانی، تهران، وزارت خارجه، ۱۳۸۵ش.
ـ ــــــــــــــــ، قیام و نهضت علویان زاگرس (تاریخ تحلیلی اهل حق)، تهران، موسسه نشر فرهنگی سها، ۱۳۷۶ش.
ـ عالم آرای شاه اسماعیل، تصحیح اصغر منتظر صحب، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹ش.
ـ عالم‌آرای صفوی، به کوشش یدالله شکری، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۳ش.
ـ عبدالوحید، سرهنگ شیخ، کردها و سرزمین‌شان، ترجمه صلاح‌الدین عباسی، تهران، نشر احسان، ۱۳۷۸ش.
ـ عظیمی، کیومرث، تاریخ تشیع در کردستان، انتشارات حوزه و دانشگاه، قم ۱۳۹۵ش.
ـ قاضی، ملا محمدشریف، زبده تواریخ سنندجی، به کوشش محمدرئوف توکلی، تهران، انتشارات توکلی، ۱۳۸۷ش.
ـ کویی، حاجی‌قادر، دیوانی حاجی‌قادر کویی، لیکولینەوە و لیکدانی‌وی سردار حەمید میران، سنه، شاره کتیبی میدیا، ۲۷۰۷۰کوردی.
ـ گوران، خسرو، کورد له پاریزگای موصل، هەولیر، چاپی یەکم، چاپخانەی وەزارەتی پەروەردە ۲۰۰۲ز.
ـ مردوخ کردستانی، شیخ محمد، تاریخ مردوخ، تهران، نشر کارنگ، ۱۳۷۹ش.
ـ مستوره، اردلان، تاریخ الاکراد، با مؤخره میرزاعلی‌اکبر وقایع‌نگار، اربیل، نشر آراس، ۲۰۰۵م.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]

ـ مستوفی، محمد محسن، زبده التواریخ، تصحیح بهروز گودرزی، تهران، بنیاد موقوفات محمـود افشار، ۱۳۷۵ش.
ـ مصطفی امین، نوشیروان، تاریخ سیاسی کردها، ترجمه اسماعیل بختیاری، سـلیمانیه، انتشـارات بنکه ژین، ۲۰۰۶م.
ـ مه خدوم، گرنکی کورد و کوردستان له قوناغه میژوویيهکانی ئیران تا سهردهمی ئهفشـاریه، بیجـا، بینا، بیتا،
ـ میربهسری، ناودارانی کورد، وهگیرانی عهبدولخالق عه لائهالدین، سلیمانی، چاپی یهکهم، دهزگـای چاپ و پهخشی سهردهم، ۲۰۰۲ز.
ـ مینورسکی، ولادیمیر، کرد، ترجمه حیبیباللّه تابانی، تهران، نشر گستره، ۱۳۷۹ش.
ـ نوری، فریدون، علیاکبر کجباف، و فریدون الهیاری، «چگونگی گرایش والیان اردلان به تشیع از صفویه تا قاجاریه»، فصلنامه شیعهشناسی، ش۳۵، س۹، پاییز ۱۳۹۰ش.
ـ یوسفی، عثمان، تاریخ و حیات اجتماعی ـ فرهنگی کردهـای ایـزدی، تهـران، پژوهشـگاه تـاریخ اسلام، ۱۳۹۱ش.

- Bois Tomos, *The kurds*, First English Edition, Beirut, 1966.
- Mela Javad, *The Kurdistan and he Kurds*, Western Kurdistan Association, London, 2005.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.91]